

# بنیانهای اخلاقی رفاه اجتماعی

- Political Theory and Social Policy  
- Albert Weale  
- St. Martin's Press, N.Y  
- 1983: pp.xi + 227

ریچارد داگر\*

ترجمه اکبر بتوئی

ارائه کنند متعهد می‌کند، به یک عبارت «شهروندان باید قادر به فهم استدلالهای موجود در نظریه سیاسی، سنجش میزان اهمیت آنها و تنظیم برنامه‌ها و فعالیت‌های خود در چارچوب آن دسته از استدلالهایی باشند که به نظرشان معتبرترند. (p.45) بنابراین شالوده نظریه سیاسی متضمن استقلال است. اما این برای حمایت از «اصل استقلال» ویل کافی نیست، چرا که با وجود پذیرش توصیف ویل از نظریه سیاسی هنوز از اصل «همه اشخاص به منزله کنشگرانی اندیشمند و هدفدار درخور احتراماند» تبعیت نمی‌کند. (p.42 با تأکید) ما در مقام نظریه‌پرداز ممکن است به «فرضیه‌های خاصی راجع به اشخاصی که این فعالیت در بین آنها اجرا می‌شود» متعهد باشیم (p.45)، اما این تنها نشانگر آن است که افراد شرکت‌کننده در این فعالیت (نه هرکس که در معرض اقتدار سیاسی است) در مفهوم مورد نظر ویل، دارای استقلال است. ارسطو یک نظریه‌پرداز سیاسی بود و قطعاً فرض را بر این گذاشته بود که مخاطبش قادر به درک مباحث اوست و براساس آن عمل خواهد کرد. اما نظریاتش در مورد برده‌داری طبیعی و تواناییهای زنان شاهدی است بر ناتوانی او در پذیرش آن چه ویل معتقد است یک نظریه‌پرداز سیاسی باید در نظر داشته باشد، یعنی «هرکسی توانایی استقلال دارد».

مشکل دوم مربوط است به برداشت ویل از استقلال. او درمی‌یابد که استقلال درجاتی دارد، اما اکثراً آن را «مفهومی مطلق» در نظر می‌گیرد. «توانایی افراد در اخذ تصمیمات مستقل، به بودن یا نبودن مجموعه‌ای از شرایط خاص بستگی دارد، نه به میزان یا درجه برآورده شدن آن شرایط». (P.76) در نتیجه ویل خیلی کم به مقوله رفاه اجتماعی می‌پردازد، به ویژه در مباحث آموزش و مشارکت سیاسی که برای ترویج استقلال خیلی بیشتر از آن چه ویل انجام داده است، جای کار دارد.

کتاب نظریه سیاسی و سیاست اجتماعی حتی با وجود این مشکلات، کتابی است خواندنی، فشرده، شفاف و پر از بحث‌های جالب و متمایز. و اگر هم «بازسازی منطقی بنیان‌های اخلاقی رفاه اجتماعی» ویل موفقیت‌آمیز نباشد، «کثرت‌گرایی قراردادی محدود» او می‌تواند با نشان دادن راه جهت انتخاب گزینه‌ای مناسب برای فایده‌گرایی، موفقیت مورد نظر را کسب کند.

پی‌نوشت:

\*Richard Dagger, Arizona  
State University

منبع:

Ethics, October 1985, 203-204

هدف کتاب نظریه سیاسی و سیاست اجتماعی بازسازی منطقی بنیان‌های اخلاقی رفاه اجتماعی است (ص ۸).

منظور این نیست که رفاه اجتماعی باید از بنیان بازسازی شود، بلکه از نظر آلبرت ویل تنها با برخی اصلاحات و تغییرات می‌توان آن را سروسامان بخشید. او معتقد است رفاه اجتماعی با این‌که سازمانی فوق‌العاده قابل دفاع است، چندان که باید از آن دفاع نشده است.

از این رو ویل معتقد است باید به دنبال جایگزینی برای فایده‌گرایی بود. جایگزین مورد نظر وی یعنی «کثرت‌گرایی قراردادی محدود» بر خشک‌هایی از نظریه‌های دیگر مبتنی است آن‌گونه که ویل تشریح می‌کند، «کثرت‌گرایی قراردادی محدود» نظریه‌ای است سه مرحله‌ای که با اصل استقلال شروع می‌شود. این اصل «بیانگر آن است که همه اشخاص به منزله کنشگرانی اندیشمند و هدفدار که قادر به ساماندهی امور خوداند، در خور احتراماند.» و نیز مستلزم آن است که «دولتها مکلف‌اند شرایطی را فراهم آورند و حافظ آن باشند که در آن استقلال متحقق شود» (p.42) دولتها برای اجرای چنین تکلیفی باید حداقل سطح رفاه و فرصتهای آموزشی برابر را برای همه شهروندان تأمین کنند. آنگاه در مرحله دوم، «پس از حصول این حداقل شرایط برای ارزیابی چگونگی توزیع منابع»، باید از قرارداد اجتماعی راولز استفاده کرد. (p.81) به هر حال، ویل مایل نیست نسبت به خطری که احزاب را در پس پرده بی‌خبری تهدید می‌کند، اظهار نظر کند، لذا مدعی است که این قرارداد تنها می‌تواند طیفی از اصول قابل قبول را تعیین کند، از اصل خطر - خنثی (Risk Neutral) و میانگین‌کاری گرفته تا اصل متفاوت خطر - مخالف (Risk Averse) راولز. پس از موقعیت قراردادی وارد مرحله سوم می‌شویم، جایی که با مجموعه‌ای از اصول قابل قبول روبرویم و باید از بین آنها بهترین گزینه را انتخاب کنیم. شاید برخی این تعیین‌ناپذیری را برای نظریه ویل نقص بدانند، در حالی که خود ویل آن را حسنی برای نظریه‌اش می‌داند، چون «برای سیاست، فضای کافی» فراهم می‌کند (p.99).

نظریه مذکور رویکردی است که تا حد زیادی به مشکلات فلسفی سیاست اجتماعی اشاره دارد، اما حداقل در دو زمینه رضایت‌بخش نیست که مربوط می‌شود به استفاده ویل از [مفهوم] استقلال.

مشکل اول به استدلال

«انعکاسی» اصل استقلال برمی‌گردد. ویل می‌گوید: «نظریه‌های سیاسی برای ارجحیت یک گزینه اجتماعی بر سایر گزینه‌ها دلایلی ارائه می‌کنند» و این نظریه‌پردازان را نسبت به فرضیاتی که در مورد شهروندان جامعه سیاسی

مشکل اول به استدلال

باید حداقل سطح رفاه و

فرصتهای آموزشی برابر را

برای همه شهروندان تأمین کنند